**( یط) سؤال از تعميد حضرت مسيح**

در باب سيّم آيه سيزدهم از انجيل متّی ميفرمايد " آنگاه عيسی از جليل باردن نزد يحيی آمد تا از او تعميد يابد . امّا يحيی او را منع نموده گفت : من احتياج دارم که از تو تعميد يابم و تو نزد من ميآئی ؟ عيسی در جواب وی گفت : الآن بگذار زيرا که ما را همچنين مناسب است تا تمام عدالت را بکمال رسانيم پس او را واگذاشت ".

**سؤال:** حضرت مسيح را با وجود کمال ذاتی چه احتياج بغسل تعميد بود و حکمت اين چه بود ؟

**جواب:** اصل تعميد غسل توبه است حضرت يوحنّا نفوس را وصايا و نصايح ميفرمود و توبه ميداد و بعد تعميد ميفرمود . پس واضح است که اين تغسيل رمزيست که توبه از جميع گناه نمايد يعنی ای خدا همچنين که جسم من از اوساخ جسمانی پاک و مقدّس گشت بهمچنين روح مرا از اوساخ عالم طبيعت آنچه لايق درگاه احديّت نيست پاک و مقدّس نما . و توبه رجوع از عصيان باطاعتست انسان بعد از دوری و محرومی توبه نمايد و غسل کند . پس اين غسل رمز است که ای خدا قلب مرا طيّب و طاهر کن و از دون محبّت خويش پاک و مقدّس نما . و حضرت مسيح چون خواست اين سنّت جناب يوحنّا را مجری بين عموم در آن زمان بدارد لهذا خود حضرت اين را جاری فرمود تا سبب تنبّه خلق شود و ناموس که شريعت سابقه بود کامل گردد . ولو اين سنّت يوحنّا بود ولی فی الحقيقه غسل توبه بود و اين در شرايع الهيّه جاری ، نه اينکه مسيح احتياج بغسل تعميد داشت بلکه چون در آن زمان عمل مقبول ممدوح و عنوان بشارت ملکوت بود لهذا حضرت مجری داشت . و لکن بعد فرمود که تعميد بآب عنصری نه بلکه تعميد بروح و آب بايد و در جای ديگر تعميد بروح و آتش فرمود و مقصود از آب در اينجا آب عنصری نه زيرا در جای ديگر تصريح بروح و آتش ميفرمايد و از اين آتش معلوم گردد که آتش عنصری و آب عنصری نيست زيرا تعميد بآتش محال است . پس روح فيض الهی است و ماء علم و حيات و نار محبّة اللّه است يعنی آب عنصری سبب پاکی قلب انسان نشود بلکه آب عنصری جسم انسانرا پاک نمايد ولی آب آسمانی و روح که علم و حياتست قلب انسانرا طيّب و طاهر کند يعنی آن قلب که از فيض روح القدس نصيب برد و مقدّس گردد طيّب و پاک شود . مقصد اينست که حقيقت انسان از اوساخ عالم طبيعت پاک و مقدّس گردد . اوساخ عالم طبيعت صفات قبيحه است غضب است شهوتست حبّ دنياست تکبّر است کذبست نفاقست تزوير است خود پرستی است و امثال ذلک . انسان از صولت نفس و هوی جز بتأييدات فيض روح القدس خلاص نشود اينست که ميفرمايد تعميد بروح و آب و آتش لازم و واجب است يعنی روح فيض الهی و ماء علم و حيات و نار محبّة اللّه و انسان بايد باين روح و ماء و آتش تعميد يابد تا استفاضه از فيض ابدی کند و الّا تعميد بآب عنصريرا چه ثمر ولی اين تعميد آب رمز از توبه و استغفار از گناه بود و در دور جمال مبارک اين رمز را لزوم نه زيرا حقيقت آن که تعميد بروح و محبّة اللّه است مقرّر و محقّق .